

# افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

## (بخش بیستم)

### فصل پنجم

## نخستین انتخابات ریاست جمهوری و ادامه تروریسم در افغانستان

باساس مواد قانون اساسی، پروسه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان پس از یک دوره انتقالی هجده ماهه، بتاريخ نهم ماه جون سال 2002 میلادی آغاز گردید. علی رغم آنکه این پروسه نیز توأم با تقلب ها و دست بازیها و سروصداها ی زیاد بود و حوزه های زیاد انتخاباتی بخاطر نا امن بودن محل و منطقه، مسدود بودند، با آنهم، بالاخره در روز سوم ماه نوامبر 2004 میلادی، کمیسیون انتخابات، پیروزی حامد کرزی را با " پنجاه و پنج در صد آرا " در برابر هفده کاندیدای دیگر اعلام نمود و سازمان ملل هم آنرا تأیید کرد. بنابراین، کرزی بعد از اداره مؤقت دوران انتقالی، بعنوان رئیس جمهور " انتخابی " اعلام

گردید . پس از آنکه حامد کرزی بحیث رییس جمهورِ منتخب سوگند یاد کرد، حکومت انتقالی جایش را به " جمهوری اسلامی افغانستان " داد.

**نامزدهای هفده گانه ریاست جمهوری در برابر حامد کرزی اینها بودند:**

محمدیونس قانونی

حاجی محمد محقق

سید اسحاق گیلانی

وکیل منگل

لطیف پدرام

عبدالستار سیرت

عبدالحفیظ منصور

عبدالرشید دوستم

همایون شاه آصفی

احمدشاه احمد زی

غلام فاروق نجرابی

مسعوده جلال

عبدالهادی خلیل زی

داکتر محمد محفوظ

سید عبدالهادی دبیر

عبدالحسیب آرین

محمد ابراهيم رشيد.

وزراى كابينه ى حامد كرزى پس از پيروزى اش در انتخابات ، عبارت بودند از:

هدايت امين ارسال وزير تجارت و مشاور ارشد رييس جمهور

داكتر عبدالله عبدالله وزير امور خارجه

جنرال عبدالرحيم وردك وزير دفاع

على احمد جلالى وزير امور داخله

داكتر زلمى رسول مشاور امنيت ملى

نورمحمد قرقين وزير معارف

انوارالحق احدى وزير ماليه

داكتر مير محمد امين فرهنگ وزير اقتصاد

جنرال محمد اسمعيل وزير انرژى و آب

عنایت الله قاسمی وزير ترانسپورت

انجنير امير زى سنگين وزير مخابرات

انجنير مير محمد صديق وزير معادن وصنایع

داكتر سهراب على وزير فوايد عامه

انجنير محمد يوسف پشتون وزير شهر سازى و مسكن

عبيدالله رامين وزير زراعت ، مالدارى و مواد غذائى

سرور دانش وزير عدليه

داكتر سيد اميرشاه حسن يار وزير تحصيلات على

داکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ

داکتر سید محمد امین فاطمی وزیر صحت عامه

نعمت الله شهبانی وزیر حج و اوقاف

عبدالکریم براهوی وزیر سرحدات و اقوام و قبایل

داکتر مسعوده جلال وزیر امور زنان

داکتر سید اکرام الدین معصومی وزیر کار و امور اجتماعی

داکتر اعظم داد فر وزیر امور مهاجرین

صدیقه بلخی وزیر شهدا و معلولین

محمد حنیف اتمر وزیر احیا و انکشاف دهات

انجنیر حبیب الله قادری وزیر مبارزه با مواد مخدر. (44)

حامد کرزی متعاقب حصول پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، بتاريخ هفتم ماه دسامبر همان سال، طی برگزاری مراسم دامنہ داری در کابل، که در آن به تعداد ششصد نفر مهمانان داخلی و خارجی به شمول اعضای سفارتخانه های خارجی مقیم کابل اشتراک نموده بودند، ادای سوگند یاد نمود. در این مراسم، " دک چنی" معاون رییس جمهور امریکا و "دونالد رامسفلد" وزیر دفاع آن کشور و "الخضر ابراهیمی" نماینده کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل نیز حضور داشتند. کرزی ضمن سخنرانی پس از ادای سوگند گفت: " هنوز مبارزه ما علیه تروریسم پایان نیافته است و بخاطر رسیدن به پیروزی علیه تروریسم، قاچاق مواد مخدر و بنیادگرایی، ایجاب میکند تا در سطح منطقه و جهان همکاری صورت گیرد. آرزوی ما تأمین صلح، امنیت و آبادانی مجدد افغانستان میباشد." سپس، " دک چینی" در یک کنفرانس مطبوعاتی با حامد کرزی اشتراک نموده به سوالات خبرنگاران پاسخ داد و ضمناً اظهار داشت که " ایالات متحده امریکا مصمم است جنگ را علیه تروریسم ادامه دهد و کشورش دیگر افغانستان را تنها نخواهد

گذاشت و . . . " (45) قبل از آن، یعنی بتاريخ سیزدهم ماه فبروری سال 2002م، کانگرس ایالات متحده آمریکا فیصله بعمل آورده بود تا بصورت عاجل مبلغ سه صد میلیون دالربخاطر " کمک بشری" و " دوباره سازی افغانستان" تخصیص دهد. البته درسالهای آینده نیز مقام های امریکایی، تخصیص وجوه چند ملیارد دالری برای ساخت وساز پروژه های مختلف درافغانستان و پیشبرد جنگ " علیه تروریسم" را رسماً اعلام نمودند.



حامد کرزی حین ادای سوگند پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال 2004م

تاآنزمان که هزاران سرباز امریکایی، انگلیسی، کانادایی و غیره درنقاط مختلف کشور جابجا شده بودند، گروه شکست خورده طالبان و سازمان تروریستی القاعده، باردیگر در خاک پاکستان وبه همکاری تنگاتنگ افسران و متخصصین شبکه استخبارات نظامی آن کشور وامداد مالی برخی از کشورهای عربی و شیخ نشین های خلیج فارس و مؤسسات مذهبی جهان تجدید قوا نموده با انجام دادن عملیات مسلحانه انفجاری و انتحاری و حملات ناگهانی و پلان شده، نیرو های تازه وارد در افغانستان را ضربه میزدند. چنانکه ملا عمر رهبر فراری این گروه و بعضی از فرماندهان آنان، طی اعلامیه ها و مصاحبه های شان، خطاب به نیرو های خارجی میگفتند که منتظر حملات خونین تر آنها باشند. " ملا داد الله " یکی

از فرماندهان نظامی این گروه بود که در بیرحمی و کشتار بیباکانه شهرت داشت و بعدها خودش کشته شد. او با آنکه با یک پا زنده گی میکرد، در همسویی کامل با استخبارات ارتش پاکستان، بسیار فعال بود. وی در سال 2007م طی مصاحبه تلفونی ( از یک محل مخفی) به خبرنگار "رویتر" گفته بود: "

" نیرو های ما توانایی و سلاح کافی برای مبارزه با نیرو های خارجی در طولانی مدت را دارند. . . ما هزاران تن از بمب گزاران انتحاری خود را به همه شهر های افغانستان فرستاده ایم تا به نیرو های نظامی خارجی و دست نشاند ه گان افغانی آنها حمله کنند. :

این سخنان در حالی گفته میشد که رییس جمهور امریکا از موضوع دست داشتن نظامیان پاکستان در سروسامان بخشیدن مجدد گروه طالبان کاملاً آگاهی داشت. چنانکه جورج بوش در سالهای بعد، طی نگارش خاطرات خویش گفت: " در طول زمان روشن شد که مشرف یا نمیخواست و یا نمیتوانست به وعده های خود عمل کند...دیگر مشکل مربوط این بود که نیرو های پاکستان با تهاجم خیلی کمتری دنبال طالبان میرفتند تا دنبال القاعده. بعضی ها در سازمان اطلاعاتی پاکستان (آی. اس. آی) روابط نزدیکی با مقامات طالبان داشتند...میخواستند اگر امریکا افغانستان را رها کرد و هند خواست آنجا نفوذی به هم بزند، سیاست بیمه ای داشته باشند..." (46)

علاوه از آنکه مقام های نظامی و استخباراتی پاکستان در قسمت تجدید قوا و آماده ساختن گروه طالبان و افراد القاعده غرض حملات خونین علیه نیروهای خارجی، آتش زدن به مکاتب، برهم زدن اوضاع امنیتی و جلوگیری از بهبود وضع اقتصادی و بازسازی افغانستان داخل اقدامات شتابنده و مصممانه بودند، درگیری ایالات متحده در خاک عراق نیز توجه جدی و کامل آن کشور از افغانستان را منحرف ساخت. یعنی، مقام های آی اس آی پاکستان و نیروهای شکست خورده و پراکنده گروه طالبان و القاعده به رهبری اسامه بن لادن که عمدتاً بخاک پاکستان جابجا شده بودند، از چنین یک خلأ ناشی از اشتغال عمده امریکا در عراق، در جهت تجهیز و تمرکز مجدد خویش سود بُردند.

چنانکه در سالهای بعد، مکتب " کنیدی" در چارچوب دانشگاه " هاروارد" تحت عنوان "مرکز تحقیقاتی کشورهای بحراندیده"، گزارش مفصلی را که حاصل مطالعه، تحقیق، چشمدید و مصاحبه های متعدد با سران و فرماندهان گروه طالبان در مناطق مختلف افغانستان بود، به نشر رسا نیدند که میخوام تنها بخشهایی از این گزارش را به مقصد اثبات نقش پاکستان، بخصوص نقش شبکه استخبارات نظامی آن کشور در جهت احیا، تقویت، حمایت، رهبری و بکارگیری گروه طالبان علیه افغانستان در اینجا درج میکنیم:

گزارشگر این مؤسسه تحقیقاتی در نتیجه تماسها و مصاحبه های خویش با رهبران و فرماندهان گروه طالبان، چنین مینویسد: " در محاسبه جنگ افغانستان و اصل روابط شورشیان با شبکه استخبارات نظامی پاکستان، سو تفاهماتی بوقوع می پیوندد. این روابط، در واقع، فرا تر از آن چیزهایی است که گفته میشود. یعنی روابطی است توأم با همزیستی، فراهم آوری مساعدتهای گوناگون فردی، جمعی و نظامی. اگرچه طالبان، از یکنوع درون زایی و انگیزه یی برخوردارند، باز هم با اساس اظهارات برخی از فرماندهان این گروه، آی.اس. آی، فعالیتها را تنظیم و تقویت نموده برای هردو جناح (گروه طالبان و گروه حقانی) پناهگاه، تمرینات، وسایل جنگی و سایر امکانات را مهیا میسازد و نفوذ نیرومندی بالای شان دارد" (47)

گزارشگر مؤسسه تحقیقاتی امریکا می افزاید: " نفوذ مستقیم و غیر مستقیم آی.اس. آی در مورد اتخاذ تصامیم استراتژیک و عملیات جنگی طالبان (شامل جناح طالبان و حقانی) کاملاً مبرهن است. با اساس اظهارات فرماندهان طالبان و گروه حقانی، آی.اس.آی در اکثر گروپ های عملیاتی شورشیان نقش و نفوذ دارد." (48)

گزارشهای منتشره مرکز تحقیقاتی کشورهای بحراندیده، یافته هایش از لایه لایه تماسها و مصاحبه ها با فرماندهان گروه طالبان را چنین علاوه میکند: " فرماندهان شورشیان افشا نمودند که نه تنها پایگاه اصلی آنها در خاک پاکستان است، بلکه اجنت ها یا نماینده های آی.اس. آی در شورای کویت که حیثیت رهبری عالی طالبان را دارد، نیز حضور دارند... شخص دیگری که در دوران امارت طالبان، معاون وزیر بوده و حالا رابطه نزدیک نظامی با آنها دارد، گفت " از سه تا هفت نفر اجنت آی.اس.آی در شورای کویت اشتراک دارند... شبکه استخبارات پاکستان معمولاً کسانی

را مورد استفاده قرار میدهد که {باطالبان افغانی} همسان بوده عین زبان و کرکتر را داشته باشند. بهمین دلیل تفکیک آنان آسان نیست. زیرا مسلمان میباشند و جنگ هم میکنند، حتا غالباً گمان می رود که خود افغانها بی را بخدمت گرفته باشند که به آی. اس. آی وابسته گی عمیق دارند... " (49)

درگزارش آمده است که این مؤسسه، با نه تن از فرماندهان گروه طالبان در نزدیکی های کابل، قندهار، وردک، خوست و غزنی و نیز با سه تن از آنها در کویته مصاحبه رو در رو انجام داده است که همه آنها تقاضا کرده اند به منظور رعایت ایمنی، از ذکر نام های شان خود داری شود. همچنان، با ده نفر از مامورین بلند پایه قبلی طالبان، شامل شش وزیر، دو سفیر و چند افسر نظامی آنها و بیست و دوتن از بزرگان قومی و قبایلی و سیزده نفر دیپلماتهای خارجی و تحلیلگران سیاسی گفت و گو بعمل آورده است که همه آنان، حقایق بالا را تأیید کرده اند.

جورج دبلیو بوش رییس جمهور ایالات متحده، طی خاطراتش چنین مینویسد : "... پاکستان بیشتر منابعش را خرج تدارک جنگ با هندوستان میکرد. نیرو هایش تعلیم می دیدند تا در جنگی کلاسیک با همسایه خود شرکت کنند و نه عملیات ضد تروریستی در مناطق قبیله ای. جنگ علیه افراط گرایان اولیت پایین تری داشت... دیگر مشکل مربوط این بود که نیرو های پاکستان با تهاجم خیلی کمتری دنبال طالبان میرفتند تا دنبال القاعده، دلیل هرچه بود، جنگنده گان طالبی که از افغانستان می گریختند، در مناطق قبیله ای پاکستان پناه میگرفتند و در شهرهایی همچون پشاور و کویته زند گی میکردند. این امانگاه ها در سال های 2005 و 2006 در افزایش حملات نقش داشتند. " (50)

( ادامه دارد )



